

ابرا علی شاه

استاد موقتی گروه زبان و ادبیات فارسی،

دانشگاه، دهلی

معرفی کتاب تاریخی و جیز التواریخ

معرفی کتاب وجیز التواریخ

تاریخ نویسی در جامو و کشمیر از زمان قدیم دواج داشت. راج ترنگنی اولین کتاب تاریخ جامو کشمیر محسوب می شود که به دست ما رسیده است این کتاب از لحاظ تاریخ جامو و کشمیر بسیار جامع و معتبر به شمار می رود که در قرن دوازدهم توسط قلهان نگاشته شده است. تاریخ نویسان بعدی، از این اثر گانیهامتا اثر شده و شروع به نوشتن کتاب های تاریخی کرده اند و از این طریق يك باب جدید در ادبیات فارسی آغاز شده است

تاریخ نگاران، از شیوه ی راج ترنگی تقلید کرده و آثار گانیهایی در ادبیات فارسی به جا گذاشته اند. و جیز التواریخ یکی از معروفترین تاریخ های جامو و کشمیر است. مصنف این تاریخ، غلام نبی شاه خانباری است. وی در خانواده ی هنرمندی در منطقه کشمیر به دنیا آمد. غلام نبی شاه بابرگان، علما و فضلی جامو و کشمیر ملاقات کرد و داستان ها و وقایع تاریخی این مناطق

را از آنها شنید و به این فکر افتاد که يك كتاب تاريخی از زمان باستان تا دوره ی دوگ را بنویسد. برای این کار کتاب های تاریخی بسیاری را با کمک پندت رام کشن، برهمورت، کوسالو پندت مطالعه کرد و در نهایت کتاب خود را **وجيز التواريخ** نام نهاد. نویسنده نوشتن این تاریخ را در سال 1274 هجری قمری آغاز کرد و در مدت پنج سالگی یعنی 1279 هجری آن را به پایان رسانید. در مورد مدت تکمیل این تاریخ بیت های زیر آمده است:

بی نزول خدمت راستان نهادم من این ارمغان در جهان
بسی رنج بردم در این پنج عام که برسد این گنجنامه به کام

این تاریخ شامل يك مقدمه و دو فصل است. مقدمه به چند جدول تقسیم شده است. جدول اول در مورد روستاها و پرگنه ها، جدول دوم رود خانه های مشهور، جدول سوم در رابطه با کوه های مشهور، جدول چهارم در مورد آبشارهای وسیع و جدول پنجم درباره باغ های چشم نواز می باشد.

در فصل اول تاریخ کشمیر از دوره ثه برکرن شروع شده و دوره شهمیری و مغول، افغان، سکه و دوره ی دوگره را شامل می شود. در فصل دوم در مورد معروف ترین علما، مشایخ و سادات سخن گفته است.

کتاب از حمد و ثنای پروردگار و مدح پیغمبر آغاز می شود

و در باب به وجود آمدن کشمیر به صورت زیر شرح می دهد:

"حمد وافر و ثنای متکثر مبدعی را سرد که به يك کلمه ی
کاف و نون موجودات بوقلمون، بز و طیور آورده است و صلوت بی
نهایت و درود بی غایات تحفه ی سرور کاینات که لولک لما خلقت
الافلاک که در شان او مستور و مشهور کرده- صلوت الله تعالی علیه و
آله و اصحابه اجمعین الی یوم الدین"

غلام نبی در افسانه های قدیم کشمیر، روایات مختلف ذکر
کرده است- این روایات، روایاتی هستند که به وجه تسمیه کشمیر و
به وجود آمدن آن تعلق دارند- درباره ی این شکی نیست که
کشمیر در ابتدا به صورت يك رود خانه پهناور بوده و به این
رودخانه سستی سر می گفتند که مسکن اجنا بود- کسانی که در
اطراف این محل زندگی می کردند ترس و هراس داشتند و حاضر
نمی شدند به رودخانه نزدیک شوند-

وقتی که کشمیر در آب غرق بود آن وقت نامش سستی سر
بود چون که سستی سر به زمان شاسترزن را گویند و سر حوض کلان
را خوانند- اعتقاد آنها اینست که پاروتی زن مهادیو در آن سکونت
میکرد و در میان آن سر جلدیو آمد و رفت و سکونت داشته- اکثر
مردم را که در اطراف و جوانب آن بر قله های جبال بود و باش
داشتند غارت میکرد- اتفاقا يك روحانی هندو مذهب که کشپ نام

داشت و او را نییره برهما می دانند به زیارت معبد میرفت چون به کوه سمیر رسید آن ولایت را خراب یافت. سبب خرابی را پرسید. گفتند جلدیو در میان سستی سر می باشد و از آنجا برآمده مردمان را می کشد و باز به آب فرو رود. دل کشب به درد آمد. او به مدت هزار سال در مکان نویندگان که نزدیک هیراپور بود عبادت کرد.

نویسنده وجه تسمیه کشمیر را هم ذکر کرده است. یک فرد به نام کشب که نواده برهما بود و نام زن او میر بود و با ترکیب آن دو نام واژنه کشمیر تشکیل شد و بعدها به اسم کشمیر شهرت یافت. نویسنده در ضمن بیان جغرافیای کشمیر، از مناطق هم مرز با کشمیر نیز نام می برد و می نویسد که در شرق کشمیر تبت، لداخ، قراقرم و در غرب بکهلی، افغانستان، در جنوب پنجاب هند و در شمال گلگت، چترال، اسکردو، بدخشان و خراسان قرار دارد. او در مورد فصل های کشمیر، زراعت و کشاورزی هم مفصلاً سخن گفته است و در جامی به کشت برنج اشاره کرده که کشت برنج کثرت می شود.

خانباری در مورد رودخانه ها، آبشارها و دریاچه ها نیز با جزئیات نوشته و درباره ی رودخانه ی جهلم می نویسد که زمان قدیم این رودخانه بهت نام داشت و اهل هند این را ونسته می

گفتند و درباره ی ساخت پل ها و تعداد پل هانیز اطلاعات دقیقی فراهم آورده است.

در ادامه در مورد آب و هوا می نویسد: هوایش مایل به سردی است و در زمستان برف بسیاری می بارد و در تابستان گاه باران معمولی، هوا خنکی می گیرد و حاجت لباس پشمینه می شود. در این محدوده تمامی اراضی به چهار قسم تقسیم شده است. یکی زمین زراعت آبی که قابل کاشت شالی است و اجناس شالی نزد کشاورزان نود و شش نوع است. دوم زمین خشک قابل کاشت اجناس غلات است. سوم زمین باغات و گلزار و غیره است. چهارم زمین درختان میوه و جنگل و درختان بی ثمر است. نویسنده در ضمن اشاره به تاریخ اوضاع سیاسی، درباره ی صد و چهل و چهار راچگان به اختصار و در مورد پنجمین شاه، ریاکانش اطلاعات مفصل داده است. سپس احوال سیاسی دوره ی شهمیری و معروف ترین سلاطین این دوره مانند سلطان شهاب الدین، سلطان سکندر، شمس الدین، سلطان شاهی خان، زین العابدین و قطب الدین را بیان کرده است.

نویسنده کارهای نمایان سلطان زین العابدین برای ترویج و پیشرفت معماری کشمیر و همینطور در باب مساعی وی برای گسترش علم و دانش گزارش های جالبی داده است. او می نویسد

که زین العابدین غیر جانبدار بود و همه مذاهب را احترام می گذاشت و به دستور او بود که کتاب های سانسکریت به زبان فارسی و عربی ترجمه شد.

نویسنده درباره ورود مغول به کشمیر نیز می نویسد و توضیح می دهد: شیخ یعقوب همراه با بزرگان پیش اکبر رسید و اکبر را برای ورود به کشمیر وادار کرد و با اکبر عهد و پیمان بست که در کارهای مذهب و غلات تبعیض نشود و مردم کشمیر به عنوان کنیز و غلام گرفته نشوند. بعد از این عهد، اکبر برای فتح یابی کشمیر راضی شد.

محمد قاسم میر بحر باچسی هزار سرباز شد. یعقوب شاه که از مسافرت حج برمی گشت از تعداد سربازان بی خبر بود ولی وقتی این خبر را شنید به طرف هیربور رفت. در بین راه وقتی دید سربازان کشمیر می خواهند به قاسم حمله کنند او به سمت کشتوآر فرار کرد.

اما وقتی به برکه برنگ رسید فقط تعداد اندکی با او باقی مانده بود. روز دوم سربازان هندی به بهرام گله رسیدند. از همین جا قاسم خان یعقوب حرفی را همراه سربازان برای دور زدن به سرینگر فرستاد.

در این مدت پسر عمومی یعقوب حسین خان چک غافل از

دشمن به تخت نشست. یعقوب توانست در برنگ يك جماعت از سربازهای خود آماده و حمله را شروع کند و بالاخره به پادشاهی برسد.

نویسنده درباره شروع حکومت مغول در کشمیر و کارهای شایسته ای که پادشاهان مغول در زمینه های معماری و هنر و فرهنگ در این مرز و بوم انجام دادند و همینطور در مورد به پایان رسیدن حکومت مغول در کشمیر در دوره اورنگ زیب مفصلا سخن گفته است.

در سال 1165 هجری استاندار مغول ابوالقاسم و افغان جنگ و جدال شد و در این جنگ ابوالقاسم شکست خورد و بالاخره بعد از 15 سال کشمیر از دست مغولان نجات پیدا کرد و تخت تسلط شاهان دوران درآمد. عبدالله خان آقاسی در سال 1166 هجری علم نصرت را برافراشت و سکه و خطبه به نام شاه درانی جاری ساخت و فتح نامه به دست قاصد میر مقیم در تحصیل مبلغ موعود سعی بسیار کرد.

سپس به دوره افغان پرداخته و درباره ظلم و تعدی شاه با شرح کامل گزارش داده است. طبق نظر نویسنده، دوره افغانیان وخیم ترین دوره کشمیر بوده و در این دوره تعدادی از افراد به دست حاکمان افغانی کشته شدند و در نهایت حکومت به حاکم

پنجاب مهاراجه رنجیت سنگ منتقل شد.

لشکر مهاراجه رنجیت سنگ از جانب منطقه شویان وارد کشمیر شد و این گونه به حکومت کشمیر رسید؛ ولی بعد از مدتی رنجیت سنگ به سمت لاهور روانه شد و بوان موتی رام را حاکم جامو و کشمیر ساخت.

نویسنده دوره حکومت راجه مهاراجه رنجیت سنگ با اهمیت بیشتر ذکر نموده است چون طبق نویسنده در این دوره در زمینه صنعت و هنر پیشرفتهای چشمگیری رخ داد. او می نویسد که در این دوره 12000 فروشگاههای شال در کشمیر وجود داشت.

بعد از فوت رنجیت سنگ در سال 1839 میلادی پسرش کرک سنگ بر تخت حکومت نشست ولی او مثل پدر استعداد حاکمیت نداشت. بعد از مدتی حکومت سکها با انگلیس ها وارد جنگ شده و شکست خوردند و حکومت مشمیر به مهاراجه گلاب سنگ منتقل شد. مهاراجه گلاب سنگ طی يك قرارداد جامو و کشمیر را در عوض هفت و نیم میلیون روپیه از انگلیسی ها خرید. نویسنده در بخش آخر تاریخ سیاسی و اوضاع اجتماعی دوره

های حکومت مهاراجه گلاب سنگ، رنیر سنگ، لرتاب

سنگ را با جزئیات لازم برشته تحریر در آورده است.

نسخه خطی وجیز التواریخ در کتابخانه دولتی دانشگاه کشمیر به شماره 1048 به خط نستعلیق و مشتمل بر 125 برگ نگهداری می شود اما متأسفانه این نسخه مهمی شامل تاریخ جامو و کشمیر است که در اختیار داریم و تا به حال چاپ مجدد نشده است. این کتاب توسط دکتر محمد یوسف لون به زبان اردو ترجمه شده است.

منابع

- ۱- خانپاری، غلام نبی، وجیز التواریخ، سرینگر ۱۸۶۲ م
- ۲- لون، محمد یوسف، وجیز التواریخ، سرینگر ۲۰۰۶ م